

# کتاب اعمال رسولان

درس اول

پیش‌زمینهٔ اعمال رسولان



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2018 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

---

سرشناسه: کتاب اعمال رسولان (درس شماره ۱: پیش‌زمینه اعمال رسولان)

مدرس: هانس بایر

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) نویسنده

انجیل لوقا

اشارات صریح

اشارات ضمنی

کلیسای اولیه

نسخه‌های خطی

رهبران کلیسای اولیه

عهد جدید

سرنخ‌ها

لوقا

(۳) زمینه تاریخی

تاریخ نگارش

پس از ۷۰ میلادی

پیش از ۷۰ میلادی

مخاطبین اصلی

تئوفیلس

مخاطبین گسترده‌تر

زمینه اجتماعی

امپراتوری روم

یهودیان

(۴) پیش‌زمینه الهیاتی

عهد عتیق

تاریخ

اسرائیل

پادشاهی خدا

الهیات یهودی

یحیای تعمیددهنده

الهیات مسیحی

انجیل لوقا

عیسی

رسولان

(۵) نتیجه‌گیری

## پیش‌زمینه اعمال رسولان

### مقدمه

هنوز در سرتاسر جهان از لودویک وان بتهوون، آهنگساز بزرگ آلمانی، به خاطر قطعه‌های موسیقی زیبا و استادانه‌اش یاد می‌کنند. اما هرچند موسیقی او به خودی خود زیبا و شگفت‌انگیز است، وقتی به یاد می‌آوریم که بتهوون از زمان جوانی از ناشنوایی پیشرونده رنج می‌برد، بیش از پیش تحت تاثیر هنر استادانه‌اش قرار می‌گیریم. در واقع، هنگامی که پی می‌بریم بتهوون بسیاری از بزرگترین آثار هنری‌اش را موقعی نوشت که کاملاً ناشنوا بود، بهت‌زده می‌شویم. آگاهی از زمینه زندگی بتهوون، موسیقی او را بسیار اثرگذارتر می‌کند.

درک قدر و ارزش کلام خدا نیز از جهات مهمی شبیه درک ارزش بتهوون است. مشاهده این امر که کتاب‌های مختلف کتاب مقدس با چه قدرت و شفافیتی مکاشفه خدا را اعلام می‌کنند، کار دشواری نیست. اما وقتی پیشینه نویسندگان کتاب مقدس، جهانی که در آن زندگی می‌کردند، روش زندگی و هدفشان را بررسی می‌کنیم، شناخت و درکی که از ارزش قسمت‌های مختلف کلام خدا می‌یابیم بسیار عمیق‌تر می‌شود.

این اولین درس از دوره کتاب اعمال رسولان است. در این دوره، به بررسی پنجمین کتاب عهد جدید می‌پردازیم که اغلب آن را کتاب اعمال رسولان یا همان کتاب اعمال می‌خوانیم. عنوان این درس «پیش‌زمینه اعمال» است، و در آن نگاهی به چند مسئله اساسی خواهیم انداخت که در شناخت و ارزیابی عمیق‌تر و روشن‌تر ما از تعالیم این کتاب به ما کمک خواهند کرد.

در این درس به سه جنبه بسیار مهم از پیش‌زمینه اعمال می‌پردازیم. اول، نویسنده کتاب را مورد بررسی قرار می‌دهیم. دوم، نگاهی به زمینه تاریخی کتاب می‌اندازیم. و سوم، زمینه الاهیاتی آن را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا به نویسنده اعمال نگاهی بیندازیم.

### نویسنده

کتاب اعمال مانند همه قسمت‌های دیگر کلام خدا، الهام روح القدس بوده است. اما الهام الاهی نباید چیزی از توجه ما نسبت به نویسنده آن که یک انسان بوده است، کم کند. روح القدس نوشته‌های اصلی کلام خدا را بری از خطا حفظ کرده، اما درعین حال شخصیت‌ها، زمینه‌ها و انگیزه‌های نویسندگان آنها را نیز به کار گرفته است.

کتاب اعمال مطابق سنت کلیسا به لوقا، نویسنده سومین انجیل، نسبت داده شده است. اما چه در انجیل سوم و چه در کتاب اعمال، هیچ اشاره مشخصی به نام نویسنده دیده نمی‌شود. بنابراین باید به دلایلی که موبد دیدگاه سنتی نسبت به نویسندگی لوقا هستند، نگاهی بیندازیم.

نویسنده اعمال را از سه جنبه مورد بررسی قرار خواهیم داد. اول، کتاب اعمال را با انجیل لوقا مقایسه می‌کنیم. دوم، به بررسی تاریخچه کلیسای اولیه و شهادت آن مبنی بر نویسندگی لوقا می‌پردازیم. و سوم، نگاهی کوتاه به سایر قسمت‌های عهد جدید خواهیم انداخت که نشان می‌دهد لوقا این کتاب‌ها را نوشته است. بیایید ابتدا به آنچه در مورد نویسنده کتاب اعمال از مقایسه آن با انجیل لوقا در می‌یابیم، بپردازیم.

### انجیل لوقا

وقتی کتاب اعمال را با انجیل سوم مقایسه می‌کنیم، دو دسته از شواهد به طور چشمگیری نشان می‌دهند که نویسنده هر دو کتاب یک نفر بوده است. از یک سو، اطلاعات صریح و آشکاری که در هر دو کتاب آمده، اشاره به همین موضوع می‌کند. از سوی دیگر، شواهدی ضمنی از سبک و محتوای این کتاب‌ها وجود دارد. بیایید کارمان را با شواهد صریحی شروع کنیم که نشان می‌دهند نویسنده هر دو کتاب یک نفر است.

### اشارات صریح

در مقدمه کتاب اعمال ۱: ۱، اینطور می‌خوانیم:

من کتاب نخست خود را، ای تئوفیلوس، در باب همه اموری تالیف کردم که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن‌شان آغاز کرد (اعمال ۱: ۱، ترجمه هزاره نو)

نویسنده در اینجا از «کتاب قبلی» خود صحبت می‌کند، به این معنا که اعمال دومین جلد از دست‌کم دو کتاب است. او همچنین اشاره می‌کند که این کتاب را خطاب به شخصی به نام تئوفیلوس نوشته است. حالا به مقدمه کتاب لوقا ۱: ۱-۴ گوش بدهید:

از آنجا که بسیاری دست به تالیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همانگونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند، من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی

کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید. (لوقا ۱: ۱-۴، ترجمه هزاره نو)

یک بار دیگر، این متن اشاره به شخصی به نام تئوفیلوس دارد. اما هیچ اشاره‌ای به کتاب یا نامه‌ای قبل از آن نشده است.

مخاطب هر دو کتاب اعمال و انجیل سوم، تئوفیلوس است، و کتاب اعمال به «کتاب قبلی» اشاره می‌کند. این واقعیت، مدرک محکمی است از اینکه نویسنده این کتاب‌ها دست‌کم دو جلد کتاب نوشته است، که انجیل لوقا اولین جلد و کتاب اعمال دومین جلد محسوب می‌شود. در واقع، رابطه میان این دو مقدمه نشانگر عرف مرسوم ادبی باستان برای نویسندگانی بوده که دو جلد کتاب ارائه می‌کردند. به عنوان مثال، یوسیبوس هر دو جلد کتاب *علیه آپیون* خود را با مقدمه‌ای مشابه آغاز می‌کند.

گذشته از این اشارات صریح، اشارات ضمنی‌ای نیز میان اعمال و انجیل سوم وجود دارد که نشان می‌دهد نویسنده آنها یک نفر بوده است. تعدادی از متخصصین عهد جدید نیز به تشابهات میان این دو کتاب اشاره کرده‌اند. محدودیت زمان فقط به ما اجازه می‌دهد تا به اختصار به این تشابهات اشاره کنیم، اما همین تشابهات شواهد ضمنی مهمی در مورد نویسنده مشترکشان به دست می‌دهند.

### اشارات ضمنی

همانطور که دیدیم، لوقا ۱: ۱-۴ بیان می‌کند نویسنده با تحقیق و بررسی منابع مختلف، شرح وقایع را به ترتیب تاریخی برای تئوفیلوس نوشته است. این موضوع که متخصصین زیادی متوجه تشابه انجیل لوقا و کتاب اعمال از نظر ترتیب و شکل‌گیری وقایع شده‌اند، عجیب و غافلگیرکننده نیست. شباهت‌های زیادی در ساختار نگارشی این کتاب‌ها نیز وجود دارد. هر دو کتاب به ترتیب تاریخی پیش می‌روند، و حجم هر دو تقریباً یکسان است، و هر کدام یک طومار با یک اندازه مشخص و استاندارد را پر کرده‌اند.

از این گذشته، طول مدت وقایع در هریک از آنها نیز شبیه دیگری است. هر دو کتاب اعمال و انجیل لوقا تقریباً تعداد سال‌های مشابهی را پوشش می‌دهند. عناوین و موضوعات دو کتاب نیز یکسان است. به عنوان مثال، اوج روایت انجیل لوقا سفر عیسی به اورشلیم، دستگیری، محاکمه، رنج، مرگ و پیروزی وی در همان شهر است که مرکز یهودیت و پایتخت سلسله پادشاهی قدرتمند یهودیان بود. و متناظر با همین موضوع، کتاب اعمال با سفر پولس رسول به سوی روم خاتمه می‌یابد، که با دستگیری، محاکمه و رنج او آغاز می‌شود و به اعلام پیروزمندانه انجیل مسیح در پایتخت امپراتوری قدرتمند آن دوران می‌انجامد.

به علاوه، به این دلیل که هر یک از دو کتاب بخشی از یک داستان هستند، شباهت‌هایی نیز با هم دارند. می‌توانیم به این واقعیت فکر کنیم که بعضی از انتظارات عنوان شده در انجیل لوقا تا زمان کتاب اعمال به وقوع نپیوستند. مثلاً در ابتدای انجیل لوقا، شمعون ایماندار اعلام کرد که عیسی نوری برای امت‌ها خواهد بود. به سخنان او در لوقا ۲: ۳۰-۳۲ توجه کنید:

چشمان من نجات تو را دیده است، نجاتی که در برابر دیدگان همه ملت‌ها فراهم کرده‌ای، نوری برای آشکار کردن حقیقت بر دیگر قوم‌ها و جلالی برای قوم تو اسرائیل (لوقا ۲: ۳۰-۳۲، ترجمه هزاره نو)

خدمات عیسی در انجیل لوقا، نجات خدا و وعده او به اسرائیل را تشریح می‌کند. اما فقط در کتاب اعمال است که به روش‌های قابل توجهی نجات خدا را به عنوان نوری می‌بینیم که بر امت‌ها مکشوف شد. این مثال‌ها و مثال‌های مشابه دیگر نشان‌دهنده دیدگاه تاریخ رستگاری مشترک میان این دو متن و همچنین قصد و باور مشترک آنهاست. این تشابهات همگی نشانگر آن هستند که نویسنده دو اثر یک شخص بوده است.

### کلیسای اولیه

اکنون پس از نگاه به بعضی از مدارکی که نشان می‌دهند نویسنده اعمال و انجیل لوقا یک نفر بوده است، آماده‌ایم تا به بررسی شواهدی بپردازیم که تاریخ کلیسای اولیه در این مورد ارائه می‌دهد. از قرن دوم تا چهارم میلادی، کلیسای اولیه بر این موضوع تاکید داشته که لوقا، همراه و همسفر پولس، نویسنده هر دو کتاب اعمال و انجیل لوقا بوده است. مختصراً این شواهد را از دو روش بررسی می‌کنیم. اول، نگاهی به نسخه‌های خطی کتاب مقدس یا نوشته‌هایی خواهیم انداخت که درباره آن به رشته تحریر درآمده است. و دوم، خواهیم دید که رهبران کلیسای اولیه درباره نویسنده لوقا چه نوشته‌اند. بیایید با مدارک موجود در بعضی نسخ خطی باستانی کار را شروع کنیم.

### نسخه‌های خطی

یکی از نسخه‌های بسیار قدیمی که آن را پاپیروس<sup>۷۵</sup> می‌خوانند، در سال ۱۹۵۲ در مصر کشف شد. این نوشته بر روی پاپیروس مکتوب شده و تکه‌هایی از اولین نسخه‌های خطی عهدجدید ما را در خود دارد. احتمالاً این نسخه بین سال‌های ۱۷۵ تا ۲۰۰ میلادی کپی‌برداری شده و شامل قسمت‌های زیادی از انجیل لوقا و انجیل یوحنا است. در میان متن دو انجیل، دو توضیح از محتوای آنها نوشته شده است. بعد از خاتمه انجیل لوقا، در نسخه خطی اینطور آمده (اوانگالیون کاتا لوقان) «*euangelion kata Loukan*» یا «انجیل به روایت لوقا».

و درست بعد از آن، این کلمات به چشم می‌خورد: (اوانگالیون کاتا ایونان) «*euangelion kata Ioannan*» یا «انجیل به روایت یوحنا». این یادداشت‌ها نشان می‌دهد که نوشته قبل از آن «انجیل به روایت لوقا» به نام انجیل لوقا شناخته می‌شده است. این نسخه خطی مدرکی است که نشان می‌دهد از همان دوران اولیه کلیسا، همه معتقد بوده‌اند که لوقا نویسنده انجیل سوم است. و با بسط این موضوع، لوقا نویسنده کتاب اعمال نیز بوده است. دوم، قطعه موراتوری که در حدود سال‌های ۱۷۰ تا ۱۸۰ میلادی نوشته شده، از اولین مدارک شناخته شده‌ای است که فهرست کتاب‌های عهد جدید قانونی مورد تایید کلیسای اولیه را به دست می‌دهد. در این فهرست پس از تایید لوقا به عنوان نویسنده انجیل لوقا، به روشنی از او به عنوان نویسنده کتاب اعمال نیز یاد می‌شود. در خطوط ۳۴ تا ۳۶ آن اینطور می‌خوانیم:

علاوه بر این، اعمال تمام رسولان در یک کتاب نوشته شد... لوقا تک تک وقایعی را که در حضور او اتفاق افتاد، جمع‌آوری کرد.

این بیانیه نشان می‌دهد که در قرن دوم میلادی، مسیحیان قریب به اتفاق معتقد بودند که لوقا نویسنده اعمال است و دست‌کم شاهد بعضی از وقایعی بوده که در آن شرح داده شده است. سوم، در به قول معروف پیش‌نویس ضد مارسیونی، که مقدمه‌ای بر انجیل سوم نوشته حدوداً سال‌های ۱۶۰ تا ۱۸۰ میلادی است، نویسنده این انجیل و اعمال اینطور توصیف می‌شود:

لوقا، تحت تاثیر روح‌القدس، تمام این انجیل را تنظیم کرد... و سپس همین لوقا اعمال رسولان را نوشت.

گذشته از شواهد موجود در این نسخه‌های اولیه، شهادت رهبران کلیسای اولیه را نیز در دست داریم که نشان می‌دهد لوقا نویسنده انجیل سوم و کتاب اعمال بوده است.

### رهبران کلیسای اولیه

آیرینیوس، یکی از پدران کلیسا که حدود سال‌های ۱۳۰ تا ۲۰۲ میلادی می‌زیست، معتقد بود که لوقا نویسنده انجیل سوم است. او در نوشته‌های خود تحت عنوان *علیه بدعت‌ها*، کتاب ۳، فصل ۱ قسمت ۱، اینطور می‌نویسد:

لوقا، همراه و همدم پولس، در کتابی، انجیلی که او موعظه می‌کرد را ثبت کرده است.



در اینجا اشاره آیرینیوس به کتاب اعمال به عنوان کتابی است که انجیلی را به ثبت رسانیده که پولس موعظه می‌کرد. سخن او حائز اهمیت است چون مدارک تاریخی موثقی نشان می‌دهند که آیرینیوس به اطلاعات دست اولی دسترسی داشته مبنی بر اینکه لوقا نویسنده اعمال بوده است. کلمنت اسکندریه، که در حدود سال‌های ۱۵۰ تا ۲۱۵ می‌زیسته، نیز به لوقا به عنوان نویسنده اعمال اشاره می‌کند. در کتاب ۵، فصل ۱۲ کتاب *استروماتا (Stromata)*، یا مسائل متفرقه، اینطور می‌نویسد:

لوقا در اعمال رسولان شرح می‌دهد که پولس گفت: «ای مردان آتن، شما را از هر جهت بسیار دیندار یافته‌ام.»

و ترتولیان، که در میان سال‌های ۱۵۵ تا ۲۳۰ میلادی می‌زیست، در کتاب ۴، فصل ۲ کتاب *علیه مارسیون* اینطور می‌نویسد:

بنابراین، از میان رسولان، ابتدا یوحنا و متی ایمان را آهسته آهسته به ما فهماندند... سپس لوقا و مرقس آن را تجدید کردند.

در اینجا، ترتولیان به طور مشخص انجیل سوم را به لوقا نسبت می‌دهد. سرانجام، یوسیپیوس مورخ بزرگ کلیسا که تقریباً در حوالی سال ۳۲۳ میلادی یافته‌هایش را به رشته تحریر درآورده، در کتاب ۱، فصل ۵، بخش ۳ از مجموعه تاریخ جامع کلیسای خود به لوقا به عنوان نویسنده کتاب اعمال اشاره می‌کند و می‌گوید:

لوقا... در اعمال به این سرشماری اشاره کرده است.

علاوه بر این نوع عبارات تاییدکننده، جالب توجه است که در هیچ یک از ادبیات مکتوب کلیسای اولیه به هیچکس دیگری غیر از لوقا به عنوان نویسنده انجیل سوم و اعمال اشاره نشده است، هرچند که او هرگز به عنوان یک رسول برگزیده نشده بود. به خاطر نشانه‌ها و مدارکی مانند این‌ها، ما دلایل کافی برای قبول این موضوع داریم که کلیسای اولیه نویسنده بودن لوقا را ابداع نکرده بود، بلکه صرفاً این حقیقت را که لوقا نویسنده کتاب مزبور بوده، به اطلاع دیگران رسانده است.

### عهد جدید

تا اینجا دیدیم که دلایل محکمی مویید این امر هستند که اعمال و انجیل سوم یک نویسنده مشترک داشته‌اند، و اینکه کلیسای اولیه شهادت داده که آن نویسنده لوقا بوده است. اکنون بیایید ببینیم از سایر قسمت‌های عهد جدید به چه استنباطی در مورد شخص لوقا می‌توانیم برسیم. این شواهد را با دو روش مورد بررسی قرار می‌دهیم. اول، به سرنخ‌هایی که عهد جدید در مورد نویسنده ناشناس‌مان ارائه می‌دهد، توجه خواهیم کرد. و دوم، این سرنخ‌ها را با اطلاعاتی که در مورد شخص لوقا داریم مقایسه خواهیم کرد. بیایید ابتدا به اشارات مربوط به نویسنده پردازیم.

### سرنخ‌ها

همانطور که قبلاً هم گفتیم، نویسنده اعمال خودش را معرفی نکرده است. ظاهراً او به خاطر ولی‌نعمتش تئوفیلوس، نیازی به معرفی خود نمی‌دیده است. در لوقا ۱: ۳ او می‌گوید: «من نیز مصلحت دیدم تا... بنویسم»، و در اعمال ۱: ۱ می‌گوید: «صحیفه اول را انشا نمودم.» نویسنده فرض را بر آن گرفته بود که ولی‌نعمتش می‌داند او کیست. و در حالیکه این موضوع مسئله‌ای برای تئوفیلوس نبود، اما برای خوانندگان امروزی سوالات زیادی را به وجود آورده است.

در عین حال، عهد جدید مطالبی را در مورد این نویسنده با ما در میان می‌گذارد. اول اینکه او یک رسول نبود. در واقع، احتمالاً او پس از صعود عیسی به آسمان، به او ایمان آورده بود. به این جزئیات از انجیل لوقا ۱: ۱-۲ گوش بدهید:

از آنجا که بسیاری دست به تالیف حکایت اموری زده‌اند که نزد ما به انجام رسیده است، درست همانگونه که آنان که از آغاز شاهدان عینی و خادمان کلام بودند به ما سپردند (لوقا ۱: ۱-۲، ترجمه هزاره نو)

وقتی نویسنده می‌گوید که شرح وقایع زندگی عیسی به ما رسیده، نشان می‌دهد که خود او یکی از شاهدان عینی زندگی عیسی نبوده است.

دوم، سبک یونانی اعمال و انجیل لوقا نشان می‌دهد که نویسنده آنها شخص تحصیلکرده‌ای بوده است. بسیاری از کتاب‌های عهد جدید به سبک یونانی عامیانه و حتی سطح پایین نوشته شده‌اند. اما انجیل لوقا و اعمال نشانگر مهارت بیشتری در به کارگیری آن زبان هستند.

سوم، بخش دوم اعمال نشان می‌دهد که نویسنده یکی از همراهان نزدیک و همسفران پولس بوده است. در فصل‌های اول اعمال، افعال به کار رفته در روایت‌ها به طور پیوسته سوم شخص هستند. اما از ابتدای باب ۱۶

اعمال، روایت‌ها اغلب فعل اول شخص جمع، «ما» را به کار می‌برند. این نوع زبان را در اعمال ۱۶: ۱۰-۱۷؛ ۲۰: ۱۵-۵؛ ۲۱: ۱-۱۸؛ و ۲۷: ۱-۲۸؛ ۱۶ مشاهده می‌کنیم. این متون نشان می‌دهند که نویسندگان در طول سفرهای آخر بشارتی پولس و در سفر پولس از قیصریه تا روم، او را همراهی می‌کرده است. حالا که سرنخ‌هایی درباره نویسنده‌مان داریم، در موقعیتی هستیم که بتوانیم این جزئیات را با آنچه در مورد لوقا می‌دانیم، مقایسه کنیم.

### لوقا

بیاید یک بار دیگر آنچه درباره نویسنده انجیل لوقا و اعمال می‌دانیم، مرور کنیم: او یک رسول نبود. به نظر می‌رسد که تحصیلکرده بوده، و پولس را در سفرهایش همراهی می‌کرده است. این جزئیات را چگونه می‌توانیم با آنچه درباره لوقا می‌دانیم، مطابقت دهیم؟ پیش از هر چیز، لوقا یک رسول نبود. رسولان نقشی اساسی در کلیسا داشتند، از سوی مسیح اقتداری منحصر به فرد برای تاسیس کلیسا و نیز حفاظت از آن در برابر خطاها و مشکلات داشتند. بر اساس اعمال ۱: ۲۱-۲۲، رسولان باید از شخص عیسی تعلیم گرفته باشند. اما لوقا هرگز شخصا ملاقاتی با عیسی نداشت و هرگز ادعایی مبنی بر برخورداری از اقتداری نظیر رسولان نکرده بود. او فقط به سادگی یک عضو وفادار حامی پولس در سفرهای بشارتی وی بود. لوقا خدمتگزار یک رسول بود، یا آنطور که پولس او را در فلیمون آیه ۲۴ توصیف می‌کند، یک «همکار» برای رسولان محسوب می‌شد. دوم، این احتمال وجود دارد که لوقا فرد تحصیلکرده‌ای بوده باشد. می‌توانیم این موضوع را از کولسیان ۴: ۱۴ برداشت کنیم، آنجا که پولس لوقا را به عنوان یک پزشک معرفی می‌کند. هرچند پزشکی در دوران عهد جدید به اندازه امروز یک رشته تحصیلی رسمی نبود، اما مستلزم مهارت و شایستگی خاصی بود. سوم، لوقا همسفر پولس بود. پولس رسول در کولسیان ۴: ۱۴؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۱؛ و فلیمون آیه ۲۴ اشاره می‌کند که لوقا با او همسفر بوده است.

می‌توانیم به این شکل در مورد نویسنده اعمال نتیجه‌گیری کنیم. شواهد و مدارک تاریخی زیادی به این موضوع اشاره دارند که لوقا نویسنده اعمال بوده است. لوقا و اعمال یک نویسنده مشترک داشته‌اند. شواهد و مدارک کلیسای اولیه به طور پیوسته لوقا را به عنوان نویسنده آنها معرفی می‌کنند. داده‌های کتاب مقدسی نیز موید این موضوع هستند. در پرتو این شواهد، دلایل خوبی برای قبول این موضوع داریم که لوقا نویسنده هر دو کتاب انجیل سوم و اعمال بوده است، و همواره باید به خاطر داشته باشیم که لوقا دسترسی و نزدیکی بسیار زیادی به مطالب تشریحی خود داشته است.

## زمینه تاریخی

حالا پس از بررسی نویسنده لوقا، آماده‌ایم تا نگاهی به زمینه تاریخی اعمال بیندازیم. لوقا چه زمانی این کتاب را نوشت؟ و آن را برای چه کسی نوشت؟

در بررسی زمینه تاریخی اعمال، به سه مبحث خواهیم پرداخت. اول، تاریخ نگارش اعمال را مد نظر قرار می‌دهیم و این سوال را دنبال می‌کنیم که چه وقت لوقا این کتاب را نوشت. دوم، به تحقیق درباره مخاطبین اصلی کتاب می‌پردازیم. و سوم، زمینه اجتماعی مخاطبین را بررسی می‌کنیم. تحقیق در این مباحث به ما کمک می‌کند تا به نوعی عمیق‌تر و کامل‌تر تاثیر انجیل در قرن اول میلادی را درک کنیم. بیایید کارمان را با تاریخ نگارش کتاب شروع کنیم.

## تاریخ نگارش

هرچند نظریه‌های مختلف زیادی در مورد زمان نگارش کتاب اعمال وجود دارد، اما به طور کلی، می‌توانیم نظریات متخصصین عهد جدید را به دو گرایش اصلی تقسیم کنیم. از یک سو، بعضی اینطور استدلال می‌کنند که لوقا این کتاب را بعد از ویرانی معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی نوشت. و از سوی دیگر، استدلال دیگران مبتنی بر نوشته شدن کتاب پیش از ویرانی معبد در سال ۷۰ میلادی است. وقایع فجیع سال ۷۰ میلادی در تاریخ یهودیت بحرانی بود، و به همین دلیل بررسی این نظریات در پرتو وقایع مزبور سودمند است. به هر کدام از این نظریات نگاهی خواهیم انداخت و کار را با احتمال اینکه لوقا اعمال را بعد از ۷۰ میلادی نوشته، شروع می‌کنیم.

## پس از ۷۰ میلادی

متخصصینی که معتقدند اعمال قبل از سال ۷۰ میلادی نوشته شده است، مبنای دیدگاه‌شان را روی ملاحظات زیادی می‌گذارند. مثلاً، بسیاری ادعا می‌کنند که مثبت‌اندیشی کتاب اعمال نشانگر زمان نگارش آن بین سال‌های ۸۰ تا ۹۰ میلادی است. در این دیدگاه، اعمال نسبت به کلیسای اولیه بسیار مثبت‌اندیش‌تر از آن است که در سال‌های اولیه تشکیل کلیسا نوشته شده باشد. در عوض، نگاه نوستالژیک آن به کلیسای اولیه مستلزم گذشت سالیان سال از خود این وقایع است. اما این دیدگاه روش عاقلانه برخورد اعمال با همه نوع مشکل در داخل و خارج از کلیسا را مورد چشم‌پوشی قرار می‌دهد.

در اکثر موارد، کسانی که معتقدند اعمال بعد از ۷۰ میلادی نوشته شده دلیل‌شان این است که معتقدند برخی از مطالب موجود در کتاب اعمال متکی بر نوشته‌های یوسیبوس، مورخ یهودی است.

نوشته‌های یوسیپیوس زودتر از ۷۹ میلادی تدوین نشده‌اند، و تا قبل از سال ۸۵ میلادی به طور گسترده در دسترس عموم نبوده‌اند. پس، کسانی که معتقدند نوشته‌های اعمال متکی بر کارهای یوسیپیوس بوده اینطور نتیجه‌گیری می‌کنند که اعمال زودتر از سال ۷۹ میلادی نوشته نشده و احتمالاً حتی بعد از ۸۵ میلادی تدوین شده است.

در حالیکه مدافعین این نظریه به بسیاری از ارتباطات موجود میان اعمال و کارهای یوسیپیوس اشاره دارند، ما فقط به چهار ارتباط مورد اشاره آنها خواهیم پرداخت.

اول، اعمال ۵: ۳۶ به تیودا، یک انقلابی یهودی اشاره می‌کند که گویی در کتاب ۲۰، بخش ۹۷ مجموعه دوران باستان (*Antiquities*) یوسیپیوس نیز به او اشاره شده است. دوم، اعمال ۵: ۳۷ به یهودای جلیلی انقلابی اشاره می‌کند که در کتاب ۲، بخش ۱۱۷ و ۱۱۸ مجموعه جنگ‌های یهودی (*Wars Jewish*)، و همچنین در کتاب ۱۸، بخش‌های ۱ الی ۸ دوران باستان یوسیپیوس هم دیده می‌شود. سوم، به یک فرد انقلابی معروف به «مصری» در اعمال ۲۱: ۳۸، در کتاب ۲، بخش ۲۶۱ تا ۲۶۳ جنگ‌های یهودی یوسیپیوس و همچنین در کتاب ۲۰، بخش ۱۷۱ دوران باستان وی هم گویی اشاره شده است. و چهارم، تعدادی از مفسرین نیز اینطور استدلال می‌کنند که توصیف چگونگی مرگ هیرودیس در اعمال ۱۲: ۱۹-۲۳ متکی بر کتاب ۱۹، بخش‌های ۳۴۳ الی ۳۵۲ دوران باستان یوسیپیوس بوده است.

صرف نظر از تعداد مفسرینی که پیرو این خط استدلالی هستند، باید به این نکته اشاره کنیم که تشابهات میان اعمال و نوشته‌های یوسیپیوس ثابت نمی‌کنند که اعمال متکی به نوشته‌های یوسیپیوس بوده است. در واقع، شرح وقایع در اعمال با توصیفات یوسیپیوس متفاوت است. پس گویی این احتمال بیشتر است که اعمال و یوسیپیوس به سادگی وقایع تاریخی مشهوری را به طور جداگانه یا بر اساس منابع مشترک بازگو کرده‌اند. از آنجایی که افراد مورد اشاره، شخصیت‌های نسبتاً مشهور تاریخی بوده‌اند، یاد کردن از آنها در بیش از یک سند تاریخی، تعجب‌آور نیست. از این گذشته، در مورد تیودا، باید گفت که این نام بسیار مرسوم در آن دوران بوده است. امکان دارد که دو فرد متفاوت همانم مورد نظر این دو نویسنده بوده باشند.

### پیش از ۷۰ میلادی

نظریه اصلی دوم در مورد زمان نگارش اعمال این است که کتاب مزبور قبل از خرابی معبد در ۷۰ میلادی نوشته شده است. شواهد و مدارک زیادی این نظریه را تایید می‌کنند، اما به دلیل اهداف این درس، بر مواردی متمرکز می‌شویم که نتیجه‌گیری از آخرین صحنه کتاب اعمال را به دست ما می‌دهند. به دو آیه آخر اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱ گوش بدهید. در اینجا لوقا درباره پولس اینطور می‌نویسد:

اما پولس دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود ساکن بود و هر که به نزد وی می‌آمد، می‌پذیرفت. و به ملکوت خدا موعظه می‌نمود و با کمال دلیری در امور عیسای مسیح خداوند بدون ممانعت تعلیم می‌داد. (اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱، ترجمه قدیم)

کتاب اعمال با حبس خانگی پولس در روم، و اعلام دلیرانه انجیل مسیح توسط او به پایان می‌رسد. این قسمت پایانی، مدرک مهمی است که بپذیریم اعمال پیش از سال ۷۰ میلادی نوشته شده است. اول، توصیف لوقا از خدمات پولس هیچگونه اشاره‌ای به واقعه بحرانی سال ۶۴ میلادی نمی‌کند. در سال ۶۴ میلادی، نرون مسیحیان را متهم به آتش زدن و خرابی روم نمود و شروع به آزار و شکنجه مسیحیان کرد. عجیب است که در صورت وقوع این ماجرای اساسی پیش از نگارش کتاب توسط لوقا، او هیچگونه اشاره‌ای به آن نکرده باشد.

دوم، اعتقاد عموم بر این است که پولس در طی شکنجه و آزار کلیسا توسط نرون، احتمالاً در ۶۵ میلادی یا کمی بعد از آن به شهادت رسیده باشد. اگر اعمال پس از این تاریخ نوشته شده باشد، مطمئناً به شهادت پولس که یکی از شخصیت‌های اصلی کتاب است، اشاره می‌کرد.

سوم، هنگامی که معبد یهود در اورشلیم در سال ۷۰ میلادی منهدم شد، تاثیر قابل توجهی بر روابط میان یهودیان و غیریهودیان در کلیسا گذاشت. کتاب اعمال بر این روابط در جاهای مختلفی اشاره می‌کند. پس، بسیار غیرمحمتمل به نظر می‌رسد که اعمال، خرابی معبد را در صورت وقوع، مورد چشم‌پوشی قرار داده باشد. در پرتو واقعیت‌هایی مانند این، به نظر می‌آید بتوان این نتیجه را گرفت که لوقا نگارش اعمال را در زمان حبس خانگی و خدمات پولس در روم در حدود سال ۶۰ الی ۶۲ میلادی که آخرین جزئیات تاریخی مورد اشاره در کتاب است، تکمیل کرده باشد.

### مخاطبین اصلی

با در ذهن داشتن تاریخ اولیه اعمال، باید به دومین خصوصیت زمینه تاریخی اعمال بپردازیم، یعنی: مخاطبین اصلی نوشته‌های لوقا. آگاهی از مخاطبینی که لوقا در کتاب اعمال مد نظر داشت در درک کاری که ارائه داده، ضروری است.

مخاطبین اصلی اعمال را به دو روش مورد بررسی قرار می‌دهیم. اول، به تخصیص و اهدای آشکار آن به تئوفیلوس می‌پردازیم. و دوم، به این احتمال که کتاب برای مخاطبین گسترده‌تری طراحی شده، نگاهی خواهیم انداخت. بیاید کارمان را با تئوفیلوس به عنوان نخستین خواننده کتاب لوقا شروع کنیم.

## تئوفیلوس

اشارهٔ ضمنی پیشگفتارهای لوقا نشان می‌دهد که تئوفیلوس ولی نعمت او و کسی بوده که لوقا را مامور به نوشتن کتاب‌هایش کرده است. همانطور که دیدیم، در لوقا ۱: ۳ و اعمال ۱: ۱، لوقا کارهای خود را به تئوفیلوس تقدیم کرده است. از این گذشته، در لوقا ۱: ۳، لوقا تئوفیلوس را عالیجناب تئوفیلوس می‌خواند. لوقا از اصطلاح «عالیجناب» (یا کراتیستوس *kratistos* به زبان یونانی) به منظور ابراز احترام استفاده می‌کند. این اصطلاح موجب شده بسیاری اعتقاد داشته باشند که تئوفیلوس حامی و ولی نعمت ثروتمند لوقا بوده است.

اما رابطهٔ میان لوقا و تئوفیلوس پیچیده‌تر از یک حمایت و پشتیبانی صرف بوده است. با خواندن کتاب‌های لوقا و اعمال، تئوفیلوس شاگرد لوقا شد. می‌توانیم این جنبه از رابطهٔ تئوفیلوس با لوقا را در پیش‌گفتار انجیل لوقا ببینیم.

در لوقا ۱: ۳-۴ اینطور می‌خوانیم:

من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم، تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید. (لوقا ۱: ۳-۴، ترجمهٔ هزارهٔ نو)

آنطور که این متن نشان می‌دهد، کتاب لوقا تا حدودی با این هدف طراحی شده بود تا تئوفیلوس به صحت و درستی آنچه آموخته بود، یقین پیدا کند. به زبان ساده‌تر، لوقا به منظور تعلیم تئوفیلوس انجیل خود را نوشت.

پس از بررسی این موضوع که مخاطب اول لوقا به طور آشکار تئوفیلوس بوده، تفکر دربارهٔ مخاطبین اصلی لوقا در معنای گسترده‌تر نیز خالی از فایده نیست.

## مخاطبین گسترده‌تر

از خواندن سایر قسمت‌های عهد جدید، به راحتی متوجه می‌شویم که کلیسای گسترده‌تر در قرن اول با مسائل زیادی دست و پنجه نرم می‌کرد که لوقا در کتاب اعمال به آنها پرداخته است. تاریخچهٔ لوقا به کشمکش میان ایمانداران یهودی و غیریهودی، و دسته‌بندی‌هایی که بر اساس رهبری رسولان و معلمین مختلف بود، اشاره دارد. گزارش او به اشتباهات آموزه‌ای معلمین دروغین نیز نگاهی کوتاه می‌اندازد. اعمال همچنین به کشمکش میان کلیسا و دولت‌های مدنی نیز می‌پردازد. این کتاب بر مسائلی تمرکز دارد که زنان و فقرا با آنها مواجه بودند. آزارها و شکنجه‌ها، رنج‌ها و زندانی شدن‌ها را به ثبت می‌رساند. اعمال نگاهی اجمالی به این نوع مشکلات آموزه-

ای، اخلاقی و عملی می‌اندازد زیرا کلیسای گسترده‌تر با اینگونه مسائل در دهه‌های اولیه موجودیتش دست و پنجه نرم می‌کرد.

از آنجایی که لوقا کتاب اعمال را با توجه به مسائل بسیار گسترده‌ای نگاشته است، منطقی به نظر می‌رسد که فرض کنیم هدف او این بوده که بسیاری از ایمانداران گوناگون نوشته‌هایش را بخوانند. او در نظر داشت هم به تئوفیلوس و هم به کلیسای اولیه به طور گسترده‌تر کمک کند تا با چالش‌های زیادی که با آنها روبرو بودند، برخوردی درست داشته باشند.

### زمینه اجتماعی

پس از بررسی زمان و مخاطبین اصلی کتاب اعمال، آماده‌ایم تا به موضوع سوم یعنی: زمینه اجتماعی عمومی کتاب لوقا پردازیم و ببینیم کتاب اعمال در چه نوع جهانی نگاشته شد. هر قدر بیشتر در مورد نیروهای اجتماعی که در روزگار لوقا در کار بوده‌اند بدانیم، بهتر می‌توانیم جنبه‌های مختلف آن را درک کنیم. با نگاهی به دو ویژگی اصلی زندگی در کلیسای قرن اول، به بررسی زمینه اجتماعی اعمال می‌پردازیم: اول، حکومت و قدرت امپراتوری روم؛ و دوم، رابطه جدید میان کلیسا و یهودیان. بیایید اول به امپراتوری روم پردازیم.

### امپراتوری روم

زمانی که لوقا کتاب اعمال را می‌نوشت، امپراتوری روم سرتاسر جهان مدیترانه را تحت سیطره خود داشت و تا بریتانیای امروزی، شمال آفریقا و قسمت‌هایی از آسیا نیز گسترش یافته بود. در دوران کلیسای اولیه، این امپراتوری همچنان در حال رشد بود و مردمان و قلمروهای بیشتری را تحت سلطه خود می‌گرفت. امپراتوری روم در این میان با ارزش‌ها، اهداف و اعتقادات رومی مشخص خود، تاثیر عمیقی بر همه جنبه‌های اجتماعی می‌گذاشت.

بی‌شک، بزرگترین تاثیرات روم بر ممالک تحت‌سلطه‌اش از لحاظ سیاسی و اقتصادی بود. یکی از دغدغه‌های اصلی سیاسی امپراتوری روم، تحکیم صلح و وفاداری در داخل قلمرو خود بود که با اعمال سلطه شدید بر مقامات محلی به انجام می‌رسید.

ملت‌های مغلوب اجازه داشتند تا اندازه‌ای استقلال محلی‌شان را حفظ کنند، اما دولت‌های محلی آنها اغلب از نو شکل می‌گرفتند و همواره تحت سلطه سلسله مراتب رومی قرار داشتند. به عنوان مثال، کتاب اعمال به دو حاکم رومی قیصریه، یعنی فلیکس و فسٹوس اشاره می‌کند که از قیصریه بر سرتاسر سرزمین یهودیه حکمرانی می‌کردند. آنها علاوه بر نظارت بر مالیات‌بندی، مسئول حفظ آرامش و نظم در آن قسمت از امپراتوری روم بودند.



امپراتوری روم همچنین به واسطه همزیستی اتباع روم با مردم ملل مغلوب، نفوذی فرهنگی و سیاسی نیز در میان ایشان داشت.

اغلب، روم به نیروهای ارتشی خود که بازنشسته می‌شدند، قطعه‌ای زمین در قلمروهای تازه خود می‌بخشید. این کار باعث می‌شد شهروندان رومی وفادار در سرتاسر امپراتوری مستقر شوند و ارزش‌ها و تعهدات روم را در دو زمینه رسمی و اجتماعی ارتقا دهند. به همین دلیل در جای جای کتاب اعمال از افراد رومی نام برده می‌شود. از همان ابتدا در روز پنطیکاست، در اعمال ۲: ۱۰-۱۱ می‌خوانیم که «زائران رومی (چه یهودی و چه یهودی شده)» در آنجا حضور داشتند. همچنین کرنلیوس، فرمانده رومی خداترس در اعمال باب ۱۰، نقش مهمی در گسترش انجیل در اعمال ایفا می‌کند.

از این گذشته، فرهنگ‌های محلی نیز تحت نفوذ تاسیسات عام‌المنفعه روم مانند جاده‌ها، ساختمان‌های با معماری استادانه و اماکن اجتماع عمومی قرار داشتند. این جنبه از حکومت روم روشن می‌سازد که چگونه پولس و سایر مسافران می‌توانستند با آزادی و امنیت به انجام ماموریت‌های‌شان بپردازند. رسولان نیز در طی سفر از مکانی به مکان دیگر، از همین اماکن عمومی برای اعلام انجیل استفاده می‌کردند.

شاید مهمترین ویژگی امپراتوری روم برای کلیسای اولیه، نفوذ آن در ادیان مردم تحت سلطه‌اش بود. در زمان نگارش کتاب لوقا، یک مرد یعنی قیصر، در مرکز تمامی آن امپراتوری قرار داشت. مردمان در قلمرو امپراتور یا قیصر نه تنها او را به عنوان سرورشان، بلکه به عنوان «سوتر» (*soter*) یا منجی خود نیز می‌نگریستند. بر اساس تبلیغات روم، قیصرها مردم‌شان را از هرج و مرج و تاریکی‌های می‌دادند. گستره امپراتوری روم به عنوان گستره نجات قیصر محسوب می‌شد که مردم را از ستم پادشاهان محلی‌شان آزاد کرده و همه را تحت حکومت خیرخواهانه روم آورده بود.

در اکثر مناطق، مردم تحت سلطه اجازه داشتند تا حدود زیادی به انجام آیین مذهبی خودشان ادامه دهند، اما از آنها انتظار می‌رفت تا به برتری قیصر و خدایان سنتی روم معترف باشند. از جهات زیادی، اکثر یهودیان و مسیحیان قرن اول میلادی افرادی قابل احترامی در روم محسوب می‌شدند، اما یهودیان و مسیحیان مومن از قبول برتری دین روم سر باز می‌زدند. امپراتوری روم ایمان یهودی را به عنوان (*religio licita*) یا «دین قانونی» پذیرفته بود و با ایمان مسیحی نیز تا حد امکان مدارا می‌کرد- هرچند در عین حال هر دو گروه را تحت فشار و سرکوب قرار می‌داد.

روم از طریق کنترل دولت، جمعیت، تاسیسات و مذهب عمومی، سعی داشت نفوذ خود را تا جایی که می‌توانست گسترش دهد.

حالا پس از بررسی زمینه اجتماعی اعمال از نظر نفوذ و برتری امپراتوری روم، آماده‌ایم تا به بُعد حیاتی دیگری از شرایط اجتماعی جهان اطراف لوقا پردازیم یعنی به رابطه میان یهودیان بی‌ایمان به مسیح و کلیسای مسیحیان اولیه.

### یهودیان

ابتدا رابطه میان یهودیان و کلیسای اولیه را با توجه به رابطه عمیقی که بین‌شان بود بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی تفاوت‌های اساسی آنها می‌پردازیم. بیایید کار را با رابطه میان این دو گروه شروع کنیم. کلیسای اولیه میراث مشترکی با یهودیان داشت. ما اغلب در جهان امروز به وضوح باید به خودمان این واقعیت را یادآوری کنیم که عیسی یهودی بود، رسولان او همگی یهودی بودند، و در ابتدا تقریباً تمام جمعیت کلیسا از یهودیانی تشکیل می‌شد که به مسیح ایمان آورده بودند. پس تعجب‌آور نیست که در ذهن کلیسای اولیه، معنای ضمنی وفاداری به ماشیح موعود یهود، وفاداری به یهودیت محسوب می‌شد. بر طبق کتاب اعمال بسیاری از اعضای کلیسای اولیه در عبادت معبد شرکت می‌کردند، به کنیسه‌ها می‌رفتند تا کلام خدا را بشنوند، و بسیاری از آیین و رسوم یهودی را همچنان گرامی می‌داشتند. مثلاً به آنچه پولس در اعمال ۱۳: ۳۲-۳۳ می‌گوید گوش بدهید:

اکنون ما به شما بشارت می‌دهیم که خدا آنچه را که به پدران ما وعده داده بود، با برخیزانیدن عیسی، برای ما که فرزندان ایشانیم وفا کرد. (اعمال ۱۳: ۳۲-۳۳، ترجمه هزاره نو)

پولس و همسفرانش خودشان را با یهودیان کنیسه یکی می‌دانستند، از پدران قوم یهود به عنوان «پدران ما»، و «ما» مسیحیان را فرزندان ایشان قلمداد می‌کردند.

علاوه بر این، کلیسای اولیه و جماعت یهودیان به طور کلی هر دو خود را متعهد به کتاب مقدسی مشترک می‌دانستند. مسیحیان در کتاب اعمال، به طور پیوسته در هنگام اعلام انجیل در مضمونی یهودی، به کلام خدا استناد می‌کردند.

اعمال ۱۷: ۱-۳ مدرکی است که نشان می‌دهد چگونه پولس در موقع اعلام مسیح به یهودیان به قسمت‌های مختلف کتاب مقدس اشاره می‌کرد. به آنچه لوقا در آنجا می‌گوید گوش بدهید:

از آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند و به تسالونیک که کنیسه یهود در آن واقع بود رسیدند. پولس به پیروی از شیوه همیشه خود وارد کنیسه شد و در سه روز سبت به طور متوالی با استفاده از کتاب مقدس با آنان مباحثه می‌کرد و

توضیح می‌داد و دلیل می‌آورد که لازم بود مسیح رنج ببیند و پس از مرگ زنده گردد. او می‌گفت: «عیسای که من به شما اعلام می‌کنم همان مسیح است.» (اعمال ۱۷: ۱-۳، ترجمه مؤده برای عصر جدید)

گذشته از این، رابطه عمیق میان مسیحیت و یهودیت موجب تعاملات مهمی میان مقامات یهودی و کلیسای اولیه شد.

بر اساس کتاب اعمال، شجاعت کلیسای اولیه در اعلام انجیل مسیح اغلب منجر به برخورد ایشان با مقامات یهودی می‌شد. اما مسیحیان اولیه تا حد امکان به رهبران یهودی احترام می‌گذاشتند و تنها وقتی که آن رهبران به ایشان دستور می‌دادند تا از احکام خدا ناطاعتی کنند، از این دستورات سر باز می‌زدند. با وجود رابطه عمیق میان یهودیان و کلیسای اولیه، این دو گروه به واسطه تفاوت‌های بنیادی از همدیگر متمایز بودند.

اولین و اساسی‌ترین مورد عدم توافق میان مسیحیان و یهودیان غیرایماندار، شخصیت و کار عیسی است. کلیسا اعلام می‌کرد که عیسی همان مسیحی است که بر مرگ غلبه یافته و در ادامه قیامش از مردگان، تمامی خلقت را احیا می‌کند. اما یهودیان غیرایماندار این امر را که مردی که به عنوان یک جنایتکار مصلوب شده، ماشیح موعود باشد، غیرممکن می‌دانستند. این تفاوت موجب شکافی عمیق میان مسیحیان و یهودیان غیرمسیحی گردید که تا به امروز هم ادامه دارد.

دوم، با این وجود که کلیسای اولیه و رهبران یهود هر دو بر سر اقتدار کتاب مقدس عبری توافق داشتند، اما به شدت بر سر تفسیر صحیح قسمت‌های مختلف آن خصوصاً در رابطه با عیسی ناسازگار بودند. کلیسای اولیه اعتقاد داشت که امید آمدن ماشیح در کتاب مقدس عبری، توسط عیسی تحقق یافته است، اما یهودیان غیرایماندار به مسیح، این برداشت را انکار می‌کردند. در میان یهودیان جبهه‌های عقیدتی زیادی وجود داشت که دیدگاه‌های‌شان طیف وسیعی را تشکیل می‌داد، اما اغلب آنها پذیرفتن این موضوع را که عیسی تحقق امیدهای عهد عتیق در آمدن ماشیح است، غیرممکن می‌شمردند.

در جایگاه سوم، کلیسای اولیه و قوم یهود در قرن اول از لحاظ برخوردی که با غیریهودیان داشتند، با هم متفاوت بودند. یهودیان دیندار در اغلب موارد خود را از غیریهودیان دور نگه می‌داشتند. اما از سوی دیگر، بسیاری از غیریهودیان نامختون آنقدر مجذوب اعتقادات و تعلیم اخلاقی یهودیت می‌شدند که خود را به کنیسه‌های محلی یهودی وابسته می‌کردند و به عنوان خداترسان از آنها یاد می‌شد. خداترسان احترام بیشتری نسبت به سایر غیریهودیان داشتند، اما اعضای کامل اجتماع یهودیان نبودند. غیریهودیان به یهودیت ایمان می‌آوردند، اما باید مراسم اولیه شامل نوعی تعمید و ختنه شدن را انجام می‌دادند و آیین و رسوم یهودی را حفظ می‌کردند.

مسیحیان یهودی اولیه همین درک را نسبت به غیریهودیان داشتند، اما به تدریج متوجه شدند که باید به غیریهودیان پیرو مسیح عضویت و موقعیت کامل در کلیسای مسیحی اعطا شود. در پرتو مکاشفه جدید روح-القدس، کلیسای اولیه تصمیم گرفت که ایمان به مسیح که در اعتراف و تعمیم، خود را نشان می‌داد، برای عضویت در کلیسای مسیحی کفایت می‌کند. پس، رسولان خود را به اعلام انجیل خداوندی جهان‌شمول مسیح بر یهودیان و غیریهودیان وقف نمودند و عطایا و خدمات هر دو دسته را در حین رشد کلیسا، پذیرا شدند. آنها فهمیدند که خدا از غیریهودیان برای تحقق امید پادشاهی‌ای که در عهد عتیق به قومش بخشیده بود، استفاده می‌کند. تعجب‌آور نیست که این امر منجر به تقابلات و کشمکش‌های زیادی میان یهودیان غیرایماندار به مسیح و مسیحیان اولیه شد.

شناخت بعضی از جزئیات مربوط به زمان نگارش لوقا، مخاطبینی که برای‌شان می‌نوشت، و زمینه اجتماعی زمان او کمک زیادی به ما در مطالعه کتاب اعمال می‌کند. به این ترتیب آمادگی بیشتری برای درک مشکلاتی خواهیم داشت که لوقا به آنها اشاره می‌کند؛ برای‌شان راه حل ارائه می‌دهد، و خواهیم توانست آنها را در زندگی امروزمان به کار بگیریم.

## پیش‌زمینه‌الاهیاتی

پس از بررسی نویسنده و زمینه تاریخی اعمال، آماده‌ایم تا به سومین موضوع اصلی در این درس یعنی پیش‌زمینه‌الاهیاتی کتاب اعمال بپردازیم.

در حین مطالعه کتاب اعمال، سوالات الاهیاتی زیادی به ذهن‌مان می‌رسند. لوقا دیدگاه‌های الاهیاتی‌اش را از کجا آموخته بود؟ چگونه تصمیم می‌گرفت در کتابش به چه مسائلی اشاره کند و از کدام مسائل چشم‌پوشد؟ چارچوب اصلی نوشته‌های او چه هستند؟ پاسخ به این سوالات را می‌توان در پیش‌زمینه‌الاهیاتی لوقا پیدا کرد. بحث ما در مورد پیش‌زمینه‌الاهیاتی اعمال به سه قسمت تقسیم می‌شود. اول، مبانی الاهیاتی لوقا در عهد عتیق را بررسی خواهیم کرد. دوم، این موضوع را مد نظر قرار می‌دهیم که چگونه الاهیات او تحت تاثیر اعتقاداتش درباره پادشاهی مسیحایی خدا قرار داشت. و سوم، خواهیم دید که چگونه انجیل لوقا، یعنی جلد اول گزارش لوقا، به ما در درک پیام اعمال کمک می‌کند. بیایید کار را با مبانی عهد عتیق در کتاب اعمال شروع کنیم.

### عهد عتیق

عهد عتیق دست‌کم از دو نظر بر نوشته‌های لوقا تاثیرگذار بود. اول آنکه به طور کلی لوقا عمیقاً تحت تاثیر دیدگاه تاریخی عهد عتیق قرار داشت. و در درجه دوم، او عمیقاً به طور مشخصی تحت نفوذ مواجهه عهد

عتیق با تاریخ اسرائیل بود. بیاید ابتدا به این موضوع بپردازیم که چگونه دیدگاه عمومی عهد عتیق به تاریخ، الاهیات لوقا را شکل می‌داد.

## تاریخ

بلیز پاسکال، فیلسوف مسیحی قرن هفدهم، در اثر بزرگ خود تحت عنوان «تفکرات» از سه حقیقت بزرگی صحبت می‌کند که افراد بشر در طول تاریخ دریافته‌اند. اول، او به جلال و زیبایی خلقت و اعجاز جهان هستی اشاره می‌کند، زیرا خدا همه چیزها را نیکو آفرید. دوم، از تقابل حیرت‌انگیز میان شکوه اولیة خلقت و فساد و تباهی کنونی آن سخن می‌گوید. و سوم، پاسکال درباره رهایی صحبت می‌کند، یعنی امید به یافتن راه حلی برای این تقابل.

تأملات پاسکال موازی با تقسیم‌بندی تاریخ جهان توسط عهد عتیق به سه مرحله خلقت، سقوط در گناه، و رهایی است. لوقا نیز در اعمال، کلیسای اولیه را به نوعی توصیف می‌کند که همین دورنمای سه جانبه در تاریخ را منعکس می‌سازد.

دوران خلقت را در نظر بگیرید. در پیدایش باب ۱، خدا جهان را خلق کرد تا شاخه‌ای از پادشاهی آسمانی او باشد. او به جهان هستی نظم بخشید؛ بهستی در عدن شکل داد؛ بشریت را که تصویری ملوکانه از خودش بود در میان آن بهشت جای داد؛ و به انسان فرمود تا تکثیر شود و بر زمین حکمرانی کند، ابتدا در عدن و سپس تا آن سوی کره خاکی. به طور خلاصه، خدا برای توسعه کامل پادشاهی‌اش بر زمین زمینه‌چینی کرد.

آگاهی لوقا از این تفکر مهم عهد عتیق در جای جای اعمال به وضوح دیده می‌شود. مثلاً در ۴: ۲۴-۳۰، پطرس و یوحنا درباره خلقت به عنوان گواه سروری ملوکانه خدا بر زمین صحبت می‌کنند. در ۱۴: ۱۵-۱۷، پولس و برنابا از خلقت به عنوان مبنای حکومت خدا بر ملت‌ها سخن می‌گویند. در ۷: ۴۹، استیفان اظهار می‌دارد که خدا جهان را آفرید تا تخت پادشاهی‌اش شود. به سخنان پولس در آتن در اعمال ۱۷: ۲۴-۲۷ گوش بدهید:

آن خدایی که دنیا و آنچه در آن است آفرید و صاحب آسمان و زمین است در معابد ساخته شده به دست انسان ساکن نیست. به چیزی که آدمیان با دست‌های خود برای او فراهم نمایند نیازی ندارد زیرا خداست که نفس و حیات و همه چیز را به جمیع آدمیان می‌بخشد. او جمیع ملل را از نسل یک انسان آفرید تا در تمام سطح زمین ساکن شوند و برای آنان اوقاتی مقرر فرمود و برای مرز و بوم‌شان حدودی معین کرد تا خدا را بجویند و کورکورانه پی او نگردند تا شاید او را بیابند و حال آنکه او از هیچ یک از ما دور نیست (اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۷، ترجمه مؤده برای عصر جدید)

بر اساس این متن، پیش‌زمینه خدمت انجیل توسط پولس تا خلقت کشیده می‌شود. خدا، خداوندی است که جهان و هر چه در آن است را آفرید. او به جهان نظم بخشید تا کسانی که طالب او هستند، دست‌شان را به سویش دراز کنند و او را ببینند. خدمت پولس به انجیل ریشه در اهداف خدا در زمان بنیاد نهادن خلقت داشت. لوقا با گنجاندن این جزئیات در کتابش، به این نکته اشاره داشت که موضوع خلقت در درک خود او از کلیسای اولیه نقش مهمی ایفا می‌کند.

به همین ترتیب، آگاهی لوقا از سقوط بشریت در گناه نیز از پیش‌زمینه‌های کتاب اعمال است. همانطور که می‌دانیم، پیدایش باب ۳ تعلیم می‌دهد که پس از آفرینش بشر، آدم و حوا نسبت به خدا عصیان ورزیدند و این موضوع تبعات بزرگی برجا گذاشت. بر اساس عهد عتیق، بشر چنان نقشی اصلی در جهان داشت که سقوط او در گناه، تمامی نسل بشر را تحت لعنت مرگ قرار داد و تمام خلقت را به تباهی کشید.

لوقا از نکبت گناه در بسیاری از قسمت‌های اعمال یاد کرده است. ما اشاره‌ها به سقوط را در موعظه‌های پطرس در ۲: ۳۸ و ۳: ۱۹؛ در دفاع رسولان مقابل شورای سنهدرین در ۵: ۲۹-۳۲؛ در سخنان پولس به مشایخ افسس در ۲۰: ۱۸-۳۵، و همچنین در سخنرانی پولس در برابر آگریپاس پادشاه در اعمال ۲۶: ۲۰ مشاهده می‌کنیم.

کتاب اعمال به دفعات این موضوع را به تصویر می‌کشد که همه چیز در آفرینش - اعم از جهان مادی، ساختارهای اقتصادی ما، نظام سیاسی‌مان، و حتی کلیسا به خودی خود - از سقوط بشریت در گناه رنج می‌برد. خوشبختانه تاریخچه‌ای که لوقا در اعمال ارائه می‌کند، نشان می‌دهد که او نه تنها به تعلیم عهد عتیق درباره آفرینش و سقوط، بلکه به تعلیم عهد عتیق در مورد رهایی نیز معتقد است. لوقا می‌دانست با وجود اینکه گناه، بشریت و خلقت را به تباهی کشیده، خدا جهانیان را بدون امید وا نگذاشته است.

عهد عتیق تعلیم می‌دهد که خدا از همان ابتدا که لعنت گناه وارد جهان شد، مردم را رها نکرده یا نجات بخشیده است. اما فراتر از این، انبیای عهد عتیق پیشگویی کرده‌اند که روزی گناه و لعنت آن کاملاً از روی خلقت برداشته خواهد شد. لوقا در حین نگارش کتاب اعمال، به طور مکرر ایمان خود را مبنی بر اینکه این رهایی از طریق کار نجات‌بخش مسیح به جهان آمده، نشان می‌دهد. این مطلب در سرتاسر اعمال ظاهر می‌شود.

فقط به عنوان چند نمونه، می‌توانیم موضوع رهایی را در قسمت‌های زیر پیدا کنیم: موعظه پطرس در ۲: ۴۰-۲۱؛ دفاع رسولان در مقابل شورای سنهدرین در ۵: ۲۹-۳۲؛ سخنان فرشته به کرنلیوس در ۱۱: ۱۴؛ سخنرانی پولس در کنیسه انطاکیه پیسیدیه در ۱۳: ۲۳؛ استدلال پطرس در شورای اورشلیم در ۱۵: ۷-۱۱، و سخنان پولس و سیلاس خطاب به زندانبان فیلیپی در ۱۶: ۳۰-۳۱.

وقتی به مطالعه کتاب اعمال می‌پردازیم، باید همواره به خاطر داشته باشیم که لوقا در حین نگارش، عمیقاً تحت تاثیر دیدگاه عهد عتیق به تاریخ جهان بود. به همین دلیل، اغلب لحظه‌هایی از قرن اول میلادی را ثبت می‌کند که چشم‌انداز وسیع تاریخ جهان از خلقت تا سقوط در گناه و تارهایی در مسیح را منعکس می‌سازد. حال پس از نگاهی که به نگرش کلی عهد عتیق از تاریخ انداختیم، آماده‌ایم تا به نگرش مخصوص آن درباره تاریخ اسرائیل و اینکه لوقا در اعمال وقایعی را ثبت کرد که وابسته به تاریخ این ملت خاص بود، بپردازیم.

### اسرائیل

لوقا در حین نگارش اعمال به آشکال بی‌شماری بر تاریخ اسرائیل متکی بود. به عنوان نمونه، ما بحث‌مان را به سه واقعه در تاریخ اسرائیل محدود می‌کنیم که عبارتند از: انتخاب ابراهیم توسط خدا، خروج تحت رهبری موسی، و برقراری سلسله پادشاهی داوود. ابتدا این موضوع را مد نظر قرار می‌دهیم که چگونه انتخاب ابراهیم از سوی خدا، تاریخی که لوقا درباره‌اش می‌نویسد را شکل می‌داد. پیدایش ۱۲: ۱-۳ این موضوع را به ثبت می‌رساند که خدا ابراهیم را برگزید تا پدر قومی خاص شود. در آنجا اینطور می‌خوانیم:

خداوند به ابرام گفته بود: «از سرزمین خویش و از نزد خویشان خود و از خانه پدرت بیرون بیا و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو. از تو قومی بزرگ پدید خواهم آورد و تو را برکت خواهم داد؛ نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود. برکت خواهم داد به کسانی که تو را برکت دهند، و لعنت خواهم کرد کسی که تو را لعنت کند؛ و همه طوایف زمین به واسطه تو برکت خواهند یافت.» (پیدایش ۱۲: ۱-۳، ترجمه هزاره نو).

بر اساس این آیات، خدا ابراهیم را فراخواند تا به خاطر دو هدف اصلی به سرزمین وعده برود. از یک سو، ابراهیم پدر قومی عظیم می‌گردید، معروف می‌شد، و برکات روحانی و مادی فراوانی دریافت می‌کرد. برکات خدا به ابراهیم و نسل او، نمادی از وجود امید به نجات خدا، حتی در این جهان سقوط کرده است. اما از سوی دیگر، دعوت خدا بسیار فراتر از برکاتی بود که ابراهیم و نوادگانش دریافت می‌کردند. همه مردم زمین از طریق ابراهیم برکت می‌یافتند. ابراهیم و نوادگانش مجرای برای رساندن برکات الهی به همه خانواده‌های زمین می‌گشتند.

این تمرکز دوجانبه انتخاب ابراهیم توسط خدا، زیربنای بسیاری از تفکرات لوقا در اعمال است. از یک سو، لوقا به تناوب گزارش می‌دهد که چگونه برکت نجات در مسیح نصیب یهودیان، یعنی نوادگان ابراهیم می‌شد و وعده‌های خدا به پدر بزرگوارشان تحقق می‌یافت.

اما از سوی دیگر، لوقا بر این موضوع نیز متمرکز بود که چگونه یهودیان مسیحی، انجیل مسیح را به غیریهودیان می‌رسانند. او بارها و بارها در اعمال گزارش می‌دهد که یهودیانی مانند فیلیپس، پطرس، پولس و برنابا انجیل نجات‌بخش را نزد غیریهودیان جهان می‌بردند. این کار آنها نیز تحقق وعده‌های خدا به ابراهیم بود. چشم‌انداز دوم لوقا در اعمال، نشانگر درک او از رابطه میان موسی و کلیسای مسیحی نیز بود. موسی رهاننده‌ای از سوی خدا، اسرائیل را از بردگی در مصر بیرون آورد، شریعت خدا را به آن قوم معرفی کرد، و ایشان را نسبت به آن شریعت پاسخگو شمرد. و در همان شریعت، موسی پیشگویی کرد که خدا روزی پیامبر دیگری را مانند او خواهد فرستاد تا قومش را از بندگی گناه برهاند. همانطور که لوقا در اعمال اشاره می‌کند، این پیامبر همتای موسی، همان عیسی بود. به آنچه لوقا از سخنان استیفان در اعمال ۷: ۳۷-۳۹ به ثبت رسانیده، گوش بدهید:

همین موسی به بنی‌اسرائیل گفت: «خدا از میان برادران تان پیامبری همانند من برای شما بر خواهد انگیخت.» هم او در بیابان با جماعت بود، همراه با فرشته‌ای که در کوه سینا با وی سخن گفت، و همراه با پدران ما؛ و کلام زنده را دریافت کرد تا به ما برساند. ولی پدران ما از اطاعت او سر باز زده، طردش کردند و در دل خود به سوی مصر روی گرداندند. (اعمال ۷: ۳۷-۳۹، ترجمه هزاره نو)

از دیدگاه استیفان، عیسی همان نبی یا پیامبری بود که موسی درباره‌اش پیشگویی کرده بود. پس عدم پذیرش عیسی به منزله نپذیرفتن موسی و شریعت، به همان روش اسرائیلیان باستان بود. اگر کسی می‌خواست حقیقتاً سرسپرده موسی و شریعت باشد، باید مسیح را می‌پذیرفت. ببینید چگونه لوقا سخنان پولس خطاب به رهبران یهود را در اعمال ۲۸: ۲۳ خلاصه می‌کند:

پس روزی را تعیین کردند و شماری بسیار به محل اقامت او آمدند تا با وی ملاقات کنند. او از صبح تا شب، به تفصیل درباره پادشاهی خدا با آنان سخن گفت و کوشید با استناد به تورات موسی و کتب پیامبران، درباره عیسی مجاب‌شان کند. (اعمال ۲۸: ۲۳، ترجمه هزاره نو)

از نظر پولس و سایر اعضای کلیسای اولیه، پذیرش موسی و شریعت، اساس ایمان به مسیح بود. و این باور بر آنچه لوقا در اعمال می‌نوشت، تاثیرگذار بود.



در جایگاه سوم، لوقا تحت تاثیر گزارش عهد عتیق در مورد سلسله پادشاهی داوود قرار داشت. دشوار می‌توان تصور کرد که در عهد عتیق برای لوقا مطلبی وجود می‌داشت که مهم‌تر از برقراری خاندان داوود به عنوان سلسله‌ای که به طور ابدی بر اسرائیل حکومت خواهند کرد، باشد.

هنگامی که اسرائیل در عهد عتیق تبدیل به یک امپراتوری شد، خدا خاندان داوود را به عنوان سلسله پادشاهی ابدی برای هدایت قومش برگزید. اما عهد عتیق در انتظار روزی بود که خاندان داوود، فرمانروایی خدا را از اسرائیل تا سراسر زمین گسترش دهند.

همانطور که در مزمو ۷۲: ۸، ۱۷ می‌خوانیم:

او حکمرانی خواهد کرد و از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان... نام او تا ابدالآباد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند. (مزمو ۷۲: ۸، ۱۷، ترجمه قدیم)

این آیات آشکار می‌کنند که ابراهیم از طریق نوادش داوود، برکتی برای جهان خواهد شد. اما داوود شخصا این وعده را تحقق نمی‌بخشد. بلکه یکی از نواده‌های او پادشاهی می‌شد که حکومت نیکخواهانه و صلح‌آمیز وی را تا آن سوی جهان گسترش می‌داد.

در کتاب اعمال، لوقا عمیقا تحت تاثیر این امید به خاندان داوود قرار داشت. او درک کرده بود که عیسی همان پسر داوود، و فرمانروای پادشاهی خداست که حکمرانی‌اش را به واسطه کلیسا از اورشلیم تا آن سوی کره زمین خواهد گسترد.

به عنوان مثال، به سخنان یعقوب در شورای اورشلیم، در اعمال ۱۵: ۱۴-۱۸ گوش بدهید:

شمعون بیان کرده است که چگونه خدا اول امت‌ها را تفقد نمود تا قومی از ایشان به نام خود بگیرد. و کلام انبیا در این مطابق است چنانکه مکتوب است که، بعد از این رجوع نموده، خیمه داود را که افتاده است باز بنا می‌کنم و خرابی‌های آن را باز بنا می‌کنم و آن را برپا خواهم کرد، تا بقیه مردم طالب خداوند شوند و جمیع امت‌هایی که بر آنها نام من نهاده شده است. این را می‌گوید خداوندی که این چیزها را از بدو عالم معلوم کرده است. (اعمال ۱۵: ۱۴-۱۸، ترجمه هزاره نو)

در اینجا یعقوب به عاموس ۹: ۱۱-۱۲ اشاره می‌کند، جایی که عاموس پیشگویی می‌کند که خدا خاندان سلطنتی داوود را احیا خواهد کرد و حکومت او را بر ملت‌های غیریهودی گسترش خواهد داد. همانطور که یعقوب در اینجا اشاره می‌کند، او باور داشت که موفقیت انجیل در میان غیریهودیان تحقق این امیدهای عهد عتیق است. لوقا می‌خواست خوانندگانش درک کنند که عیسی وارث وعده‌های ابراهیم، پیامر همتای موسی، و آخرین پادشاه سلسله داوودی است. عیسی بر تخت سلطنت خود جلوس کرده بود و به واسطه اعلام انجیل و رشد کلیسا بر جهان غلبه می‌یافت تا پادشاهی نجات‌بخش خود را از اورشلیم تا آن سوی زمین گسترش دهد- درست همانطوری که عهد عتیق پیشگویی کرده بود.

### پادشاهی خدا

پس از بررسی انکای لوقا بر عهد عتیق، آماده‌ایم تا ببینیم چگونه پادشاهی مسیحایی خدا در پیش‌زمینه الاهیاتی اعمال تاثیرگذار بود.

بحث ما درباره پادشاهی خدا به سه بخش تقسیم می‌شود. اول، الاهیات یهودی مسیحایی را که در قرن اول رایج بود بررسی می‌کنیم. دوم، بر الاهیات یحیای تعمیددهنده متمرکز خواهیم شد. و سوم، به طور مختصر این دیدگاه‌ها را با الاهیات مسیحی مسیحایی مقایسه خواهیم کرد که لوقا بر آنها صحنه می‌گذاشت.

### الاهیات یهودی

پس از نگارش آخرین کتاب‌های عهد عتیق در قرن پنجم قبل از میلاد، اسرائیل وارد دوران تاریکی روحانی شد. صدها سال، اکثریت قاطع اسرائیلیان در خارج از سرزمین وعده زندگی می‌کردند، و آنانی که در آن سرزمین باقی ماندند، تحت ظلم و ستم حاکمان غیریهودی رنج می‌کشیدند- در ابتدا بابلی‌ها، بعد مادیان و پارسیان، سپس یونانیان، و در آخر رومیان. در نتیجه تاریخ طولانی رنج و مرارت مزبور، این امید که خدا یک رهاننده مسیحایی را به اسرائیل خواهد فرستاد، تبدیل به یکی از برجسته‌ترین اصول الاهیات یهودی شد. امیدهای یهودی مسیحایی، مسیرهای مختلفی به خود گرفت. مثلاً، غیوران معتقد بودند که خدا در نظر دارد اسرائیل در روزگار ماشیح قیام‌هایی علیه مقامات روم به راه اندازد. گروه‌های مختلف آخرالزمانی بر این باور بودند که خدا به طور ماورالطبیعی دشمنانش را از بین می‌برد و قوم خود را پیروز خواهد کرد. گروه‌هایی مانند فریسیان و کاتبان نیز بودند که اعتقاد داشتند پیش از اینکه اسرائیل مطیع شریعت شود، خدا دخالتی نخواهد کرد. در نقاط مختلف کتاب اعمال، لوقا اشاره می‌کند که بسیاری از یهودیان دیدگاه مسیحی پادشاهی مسیحایی را نمی‌پذیرفتند.

هرچند امید یهودیان در مورد ماشیح بسیار متفاوت بود، اما لوقا متوجه تحولی چشمگیر در الاهیات یهودی به واسطه خدمات یحیای تعمیددهنده شد.

### یحیای تعمیددهنده

هر دو کتاب انجیل لوقا و اعمال بیان می‌کنند که یحیای تعمیددهنده مردم را به توبه حقیقی فرا می‌خواند، و خبر خوش قریب‌الوقوع بودن برقراری پادشاهی خدا بر زمین توسط ماشیح را اعلام می‌کرد. از این گذشته، یحیی به درستی عیسی را به عنوان ماشیح معرفی کرد. به آنچه یحیای تعمیددهنده در لوقا ۳: ۱۶-۱۷ می‌گوید گوش دهید:

من شما را به آب تعمید می‌دهم، لیکن شخصی تواناتر از من می‌آید که لیاقت آن ندارم که بند نعلین او را باز کنم. او شما را به روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد. او غربال خود را به دست خود دارد و خرمن خویش را پاک کرده، گندم را در انبار خود ذخیره خواهد نمود و گاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید (لوقا ۳: ۱۶-۱۷، ترجمه قدیم)

در اینجا یحیی به درستی اعلام می‌کرد که ماشیح برکت بزرگ و تطهیر روح‌القدس را به انضمام داوری الاهی به ارمغان خواهد آورد. اما او به اشتباه تصور می‌کرد که ماشیح این کار را یک‌باره انجام می‌دهد. یحیی این موضوع را که ماشیح نجات و داوری بر جهان را در مراحل مختلف با خود می‌آورد، پیش‌بینی نمی‌کرد. بعدها، یحیی از این واقعیت که عیسی هنوز تمامی انتظارات الاهدانان یهودی در مورد ماشیح را یک‌باره به انجام نرسانید، دچار سردرگمی شد. یحیی آنقدر ناراحت بود که کسانی را فرستاد تا از عیسی بپرسند آیا او واقعا مسیح است یا نه.

بینید لوقا چگونه سوال آنها و جواب عیسی را در لوقا ۷: ۲۰-۲۳ شرح می‌دهد:

آن دو نفر پیش عیسی آمدند و عرض کردند: «یحیای تعمیددهنده، ما را پیش تو فرستاده است تا بداند: آیا تو آن کسی هستی که قرار است بیاید یا باید منتظر دیگری باشیم؟» همان ساعت عیسی عده کثیری را که گرفتار ناخوشی‌ها، بلاها و ارواح پلید بودند شفا داد و به نابینایان زیادی بینایی بخشید. بعد به ایشان پاسخ داد: «بروید و آنچه را دیده و شنیده‌اید به یحیی بگویید که چگونه کوران بینایی خود را باز می‌یابند، لنگان به راه می‌افتند، جذامیان پاک می‌شوند، کرها شنوا می‌گردند، مردگان زندگی را از سر می‌گیرند و بینوایان مژده را می‌شنوند. خوشا به حال کسی که درباره من شک نکند.» (لوقا ۷: ۲۰-۲۳، ترجمه مژده برای عصر جدید)

عیسی در جواب به یحیی‌ای تعمیددهنده، به چند پیشگویی مسیحیایی در کتاب اشعیا اشاره کرد. او می‌خواست به یحیی اطمینان بدهد که در حال پیشبرد تحقق انتظارات مختلف پیشگویی‌های مسیحیایی عهد عتیق است، هرچند هنوز همه آنها را محقق نکرده است. عیسی همچنین یحیی را تشویق می‌کند تا به خاطر روشی که کار مسیحیایی او خود را نشان می‌داد، دلسرد نشود.

به طور خلاصه، خدمات مسیحیایی عیسی با انتظارات موجود تفاوت بسیار زیادی داشت. امیدهای مسیحیایی یهودی به دنبال استقرار فوری پادشاهی سیاسی زمینی تحت حکومت ماشیح بودند، درست مشابه پادشاهی داوود در قرون گذشته. اما عیسی برای استقرار این نوع از پادشاهی در طول دوره خدماتش بر زمین تلاشی نکرد.

با درکی که از الاهیات مسیحیایی یهودی و چشم‌اندازی که یحیی‌ای تعمیددهنده در ذهن داشت پیدا کردیم، آماده‌ایم تا به الاهیات مسیحیت اولیه از ماشیح و پادشاهی خدا بپردازیم.

### الاهیات مسیحی

در نوشته‌های لوقا، مانند قسمت‌های دیگر عهد جدید، الاهیات مسیحیایی مسیحیان رابطه بسیار نزدیکی با انجیل یا خبر خوش مسیحی دارد. می‌توانیم پیام انجیل عهد جدید را اینطور خلاصه کنیم:

انجیل اعلام آمدن پادشاهی خدا به زمین از طریق شخصیت و کار عیسی یعنی همان ماشیح و گسترش آن تا هنگام کمال آن است، و در این میان خدا کسانی را نجات می‌بخشد که عیسی را به عنوان ماشیح می‌پذیرند و به او ایمان می‌آورند.

توجه کنید که پیام انجیل به دو نکته اساسی اشاره دارد. از یک سو، قسمتی است که می‌توانیم آن را جنبه عینی انجیل مسیحی بنامیم. پادشاهی خدا به واسطه شخصیت و کار عیسی بر زمین می‌آید. لوقا ایمان داشت که عیسی به عنوان ماشیح، مرحله آخر پادشاهی خدا را بر زمین شروع کرده و اینکه او روزی باز خواهد گشت تا آنچه شروع کرده به سرانجام برساند.

و از سوی دیگر، پیام انجیل عهد جدید دارای یک جنبه ذهنی‌تر نیز هست. این انجیل اعلام می‌کند که مرحله آخر پادشاهی خدا تا هنگام به کمال رسیدنش گسترش می‌یابد و در این میان، خدا کسانی را نجات می‌بخشد که عیسی را به عنوان ماشیح می‌پذیرند و به او ایمان می‌آورند. حکومت خدا بر جهان در حالی پیش می‌رود

که انجیل قلب کسانی را که ایمان می‌آورند، لمس می‌کند، و نجاتی را برای‌شان به ارمغان می‌آورد که عیسی با موفقیت فراهم کرد.

در کتاب اعمال، لوقا توجه خواننده را به هر دو بعد انجیل جلب می‌کند. در جنبه عینی، بر واقعیت‌های کار بزرگ نجاتی که خدا در مسیح مهیا کرده تاکید دارد. او این موضوع را به ثبت رساند که کلیسا اعلام می‌کرد عیسی برای گناهان قومش مرد، اینکه او از مردگان برخاست، به دست راست خدای پدر نشسته و سلطنت می‌کند و با فر و جلال بازخواهد گشت.

به عنوان مثال به آنچه لوقا از موعظه پطرس در پنطیکاست در اعمال ۲: ۲۲-۲۴ ثبت کرده، گوش

دهید:

«ای مردان اسرائیلی به این سخنان گوش دهید. عیسی ناصری مردی بود که ماموریتش از جانب خدا به وسیله معجزات و شگفتی‌ها و نشانه‌هایی که خدا توسط او در میان شما انجام داد به ثبوت رسید، همان طوری که خود شما خوب می‌دانید. شما این مرد را، که بر طبق نقشه و پیش‌دانی خدا به دست شما تسلیم شد، به وسیله کفار به صلیب می‌خکوب کردید و کشتید. اما خدا او را زنده کرد و از عذاب مرگ رهایی داد زیرا محال بود مرگ بتواند او را در چنگ خود نگه دارد.» (اعمال رسولان ۲: ۲۲-۲۴، ترجمه مژده برای عصر جدید)

توجه داشته باشید که اعلام انجیل توسط پطرس، دربردارنده واقعیت‌های عینی زندگی مسیح، مرگ و قیامش است.

اما لوقا توجه خواننده را به جنبه ذهنی‌تر انجیل نیز جلب می‌کند. در موارد زیادی او بر اهمیت پذیرش شخصی حقیقت مسیح توسط افراد تاکید دارد که زندگی آنها را کاملاً دگرگون می‌کند. به عنوان مثال، گزارش لوقا از سخنرانی پطرس در پنطیکاست شامل اعمال ۲: ۳۷-۳۸ نیز می‌شود:

چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: «ای برادران چه کنیم؟» پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمیم گیرید و عطای روح‌القدس را خواهید یافت.» (اعمال رسولان ۲: ۳۷-۳۸، ترجمه قدیم)

انجیل مسیحی قلب شنوندگانش را می‌شکافد. این انجیل فقط بازشناسی واقعیت‌ها نیست، بلکه شامل پذیرش قلبی نجات‌دهنده‌ای نیز هست که زندگی را کاملاً تغییر می‌دهد.

همانطور که گفتیم، الاهیات یهودی قرن اول بر این اعتقاد بود که ماشیح فورا پادشاهی سیاسی خود را برقرار خواهد کرد. اما عیسی و رسولانش تعلیم می‌دادند که پادشاهی ماشیح به تدریج با گسترش کلیسا و تغییر و دگرگونی شخصی مردم، رشد می‌کند.

به همین دلیل است که لوقا تا این اندازه بر ایمان آوردن بی‌ایمانان از طریق اعلام انجیل متمرکز شده بود. او می‌دانست از این طریق است که پادشاهی مسیحایی خدا در سرتاسر جهان گسترده خواهد شد. با در نظر داشتن خطوط گسترده عهد عتیق، باید به بررسی جنبه سوم پیش‌زمینه الاهیاتی اعمال یعنی: شالوده آن در انجیل لوقا، پردازیم.

### انجیل لوقا

وقتی کتاب اعمال را می‌خوانیم، باید همواره به خاطر بسپاریم که این دومین جلد از نوشته‌های لوقا برای تتوفیلوس است. خواسته همیشه لوقا این بود که این کتاب‌ها با همدیگر خوانده شوند. انجیل او بخش اول داستان و کتاب اعمال بخش دوم آن است. پس اگر بخواهیم به درستی کتاب اعمال را بخوانیم، باید بدانیم که این کتاب چگونه، داستانی که در انجیل شروع شده را ادامه می‌دهد.

انجیل لوقا به روش‌های زیادی ما را آماده می‌کند تا پیام اعمال را بفهمیم. اما به خاطر اهداف این درس، بر موضوع پادشاهی خدا که هر دو کتاب را تحت پوشش خود قرار داده، متمرکز خواهیم شد. در انجیل لوقا، عیسی الگو و هدف پادشاهی خدا را مستقر نمود و رسولانش را آماده کرد تا کار او را بعد از صعودش به آسمان ادامه دهند. در کتاب اعمال، عیسی به آسمان صعود کرد و رسولانش را واگذاشت تا به کمک روح‌القدس مسئولیت گسترش پادشاهی او را به واسطه انجیل به عهده بگیرند.

در این بخش، به بررسی دو روشی خواهیم پرداخت که انجیل لوقا راه را برای کار بنای پادشاهی خدا در کتاب اعمال، آماده می‌سازد. اول، نگاهی به عیسی خواهیم انداخت که پادشاهی را به ارمغان آورد. و دوم، نقش رسولان در ادامه برقراری این پادشاهی را پس از صعود عیسی به آسمان بررسی خواهیم کرد. بیایید کارمان را با عیسی که پادشاهی خدا را به ارمغان آورد، شروع کنیم.

### عیسی

لوقا در سرتاسر انجیل خود شخصیت عیسی را به عنوان پیامبری که آمدن پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد، و پادشاهی که این فرمانروایی را با قدرت به وسیله صعود بر تخت خود مستقر نمود، معرفی می‌کند. عیسی شخصا در قسمت‌های زیادی درباره هر دوی این موارد صحبت می‌کند. اما برای نشان دادن موضوع، فقط به دو قسمتی می‌پردازیم که او در خدمات عمومی خود به آنها اشاره کرد.

از یک سو، در لوقا ۴: ۴۳، عیسی در اوایل خدمات عمومی‌اش اینطور گفت:

«مرا لازم است که به شهرهای دیگر نیز به ملکوت خدا بشارت دهم، زیرا که برای همین کار فرستاده شده‌ام.»  
(اعمال رسولان ۴: ۴۳، ترجمه قدیم)

از سوی دیگر، عیسی در اواخر خدمات عمومی خود، درست پیش از ورود پیروزمندانه‌اش به اورشلیم که از او به عنوان پادشاه استقبال شد، در لوقا ۱۹: ۱۲-۲۷ مثل ده قنطار را تعریف کرد. او در این مثل توضیح می‌دهد که چگونه پادشاهی خدا به آرامی خواهد آمد. اکثر یهودیان روزگار عیسی امیدوار بودند پادشاهی خدا به سرعت و با تمام قوا برقرار شود. اما تعلیم عیسی این بود که او آن پادشاهی را به آرامی و مرحله به مرحله مستقر می‌کند. عیسی آن پادشاهی را آغاز کرده بود، اما برای مدتی طولانی می‌رفت تا تاج پادشاهی را بر سر بگذارد، و تا زمان بازگشتش، پادشاهی خود را تکمیل نخواهد کرد.

به ابتدای مثل ده قنطار در لوقا ۱۹: ۱۱-۱۲ گوش بدهید:

چون عیسی به اورشلیم نزدیک می‌شد، داستانی تعریف کرد تا نظر بعضی اشخاص را درباره ملکوت خدا اصلاح کند، چون تصور می‌کردند که ملکوت خدا همان موقع آغاز خواهد شد. پس چنین فرمود: «در یکی از ایالات امپراتوری روم، نجیب‌زاده‌ای زندگی می‌کرد. روزی او سفر دور و درازی به پایتخت کرد، تا از جانب امپراتور به مقام پادشاهی آن ایالت منصوب شود. (لوقا ۱۹: ۱۱-۱۲، ترجمه تفسیری)

توجه کنید که در اینجا چه اتفاقی افتاد. عیسی در آستانه ورود به اورشلیم و پادشاه خوانده شدن بود، اما در آن زمان او نمی‌خواست مردم اینطور فرض کنند که او یک فرمانروایی زمینی برای خود تاسیس خواهد کرد. در عوض، او مدتی طولانی زمین را ترک می‌کرد تا به پادشاهی برسد، و باز خواهد گشت تا در آینده بر پادشاهی زمینی‌اش حکمرانی کند.

این دقیقاً همان اتفاقی است که افتاد. عیسی در اورشلیم دستگیر و مصلوب شد. سپس از مردگان برخاست و به آسمان صعود کرد، و همان‌جا خدای پدر پادشاهی را به او سپرد. و برخواهد گشت تا پادشاهی‌اش را به کمال برساند.

با درکی که از روش انجیل لوقا در معرفی عیسی به عنوان کسی که پادشاهی خدا را به ارمغان می‌آورد پیدا کردیم، به بررسی موضوع دومی می‌پردازیم که در این انجیل ارائه می‌شود، یعنی: نقش رسولان در پیشبرد پادشاهی خدا از طریق اعلام انجیل.

## رسولان

عیسی در شب قبل از مصلوب شدنش، به رسولان خود فرمود تا کار استقرار پادشاهی او را ادامه دهند. به گفته‌های عیسی در لوقا ۲۲: ۲۹-۳۰ گوش بدهید:

همان طور که پدر، حق سلطنت را به من سپرد، من هم به شما می‌سپارم. شما در پادشاهی من سر سفره من خواهید خورد و خواهید نوشید و به عنوان داوران دوازده طایفه اسرائیل بر تخت‌ها خواهید نشست. (لوقا ۲۲: ۲۹-۳۰، ترجمه مژده برای عصر جدید)

عیسی رسولان خود را به عنوان رهبران و داوران پادشاهی‌اش منصوب کرد. کار آنها این بود که با اتکا بر روح‌القدس، به کاری که او برجا گذاشته بود ادامه دهند، انجیل پادشاهی خدا را اعلام کنند و آن پادشاهی را گسترش دهند تا همه جهان را پر کند.

پس می‌توانیم ببینیم که انجیل لوقا بیان می‌کند که تاسیس این پادشاهی وظیفه اصلی عیسی بود، و او رسولان را مامور کرد تا این کار را پس از صعودش به آسمان، ادامه دهند. و کتاب اعمال درست از همان جایی سررشته را به دست می‌گیرد که انجیل لوقا تمام می‌شود. اعمال با این توضیح لوقا شروع می‌شود که عیسی بعد از برخاستن از مردگان و پیش از صعودش به آسمان، مدتی را به تعلیم رسولان پرداخت.

به آنچه لوقا در اعمال ۱: ۳-۸ می‌گوید گوش بدهید:

که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیل‌های بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می‌شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می‌گفت. و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که «از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح‌القدس تعمید خواهید یافت.» پس آنانی که جمع بودند، از او سوال نموده، گفتند: «خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟» بدیشان گفت: «از شما نیست که زمان‌ها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» (اعمال رسولان ۱: ۳-۸، ترجمه قدیم)



یک بار دیگر، عیسی پیروانش را تشویق کرد تا در انتظار کمال آنی پادشاهی خدا نباشند. او در عوض تاکید داشت که رسولان مسئول ادامه کار او خواهند بود تا انجیل را به سرتاسر جهان اعلام کنند. و این درست همان کاری است که رسولان در کتاب اعمال انجام دادند. آنها کلیسا را به عنوان شکل کنونی پادشاهی خدا بنا کردند و انجیل این پادشاهی را به سرزمین‌ها و نزد اقوام جدید بردند، و پادشاهی خدا را از اورشلیم تا یهودیه، سامره و تا آن سوی جهان گسترش دادند.

به روشی که لوقا، کتاب اعمال را در ۲۸: ۳۰-۳۱ خاتمه می‌دهد، گوش دهید:

اما پولس دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود ساکن بود و هر که به نزد وی می‌آمد، می‌پذیرفت. و به ملکوت خدا موعظه می‌نمود و با کمال دلیری در امور عیسی مسیح خداوند بدون ممانعت تعلیم می‌داد. (اعمال رسولان ۲۸: ۳۰-۳۱، ترجمه قدیم)

توجه کنید که لوقا به جای اینکه به سادگی بگوید پولس «انجیل» را موعظه می‌کرد، می‌گوید پولس پادشاهی خدا را موعظه می‌کرد. کتاب اعمال درست همانطور که شروع شد، پایان می‌یابد- با تاکید بر نقش رسولان به عنوان کسانی که پادشاهی خدا را بر زمین از طریق اعلام انجیل، گسترش دادند.

وقتی کتاب اعمال را به دست می‌گیریم، باید همواره به خاطر داشته باشیم که لوقا با پیش‌زمینه‌ای که از عهد عتیق داشت و اعتقادات قرن اول در مورد پادشاهی خدا در مسیح، آن را نوشته است. و همچنین باید به یاد داشته باشیم که اعمال در ادامه انجیل لوقا نوشته شد و گزارشی است از چگونگی ادامه کار پادشاهی خدا که به واسطه خدمات مسیح شروع شده بود و حالا توسط رسولان و کلیسای اولیه، با توکل ایشان به روح‌القدس، ادامه می‌یافت.

## نتیجه‌گیری

در این درس، نویسنده کتاب اعمال را مورد بررسی قرار دادیم؛ زمینه تاریخی آن را تشریح کردیم؛ و به پیش‌زمینه‌های الهیاتی آن پرداختیم. در نظر داشتن این جزئیات هنگام مطالعه کتاب اعمال به ما کمک می‌کند تا معنی اصلی آن را درک کنیم، و آنطور که لازم است آن را در زندگی خود به کار گیریم.

در دنباله این درس، خواهیم دید که چگونه پیش‌زمینه اعمال، درهای زیادی را به سوی این کتاب شگفت‌انگیز باز می‌کند. خواهیم فهمید که چگونه گزارشی که لوقا با الهام الهی از کلیسای اولیه نوشت، تتوفیلوس و کلیسای اولیه را به خدمت وفادارانه به مسیح هدایت کرد. و می‌بینیم در حالیکه ما همچنان به اعلام انجیل پادشاهی خدا به جهانیان ادامه می‌دهیم، کتاب اعمال رهنمودی قاطع در اختیار کلیسای امروز قرار می‌دهد.